

84-133

ایالات متحدہ -



ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 84

Date of filing: 16 DEC 1984

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of MR. RICHARD MOSK
- Date 7 DEC 1983
_____ pages in English 4 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۸۴

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۸۴ - ۸۹

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دیوانه دآوری دعاری ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED
Date ۱۳۶۲/۹/۲۵
16 DEC 1983
شماره ۸۴ - ۸۴

آلتراسیستمز اینکورپوریتد،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

اینفورمیشن سیستمز آو ایران (ایزایران)،

خوانندگان.



نظر مخالف ریچارد ام. ماسک

نسبت به حکم نهائی

من قبلاً در نظر موافق خود نسبت به حکم جزئی و نیز در مخالفت با دستور، که هر دو آنها پیوست می باشد، دلیل نا درست بودن رویه بگا ررفته یا پذیرفته شده در مورد این پرونده را خاطر نشان ساخته ام.

پس از جلسه استماع و به رغم مخالفت من، دیوان به خواننده، ایزایران فرصت داد که در تائید اصالت برخی از چکهای که قبلاً به عنوان مدرک پرداخت دیون و ادعاهائی دایر بر پرداختهای دیگری به آلتراسیستمز، به دیوان تسلیم کرده بود، ادله و مدارکی ارائه نماید. ایزایران با استفاده از این فرصت، تنها تعدادی مدرک و صورت وضعیت تائید نشده، از جمله رونوشت ادعائی چکهای وصول شده یا اسناد برداشت فقط قسمتی از مبلغ مورد اختلاف و نیز مدرکی را به ثبت رسانید که ظاهراً " صورت نقل و انتقالات حساب بانکی محسوب و حاکی از این بود که پس از سپتامبر ۱۹۷۸ هر پرداختی که از حساب بانکی ایزایران به عمل آمده موجب افزایش میزان بدهکاری در حساب شده است.

البته ممکن است که بانک چکهای ایزایران را قبول کرده و دیون وی به آلتراسیستمز پرداخت شده باشد. چنانچه ایزایران دارای اعتبار بانکی بوده، شاید موجودی منفی در حساب ایزایران با پرداخت چکها مغایرت نداشته باشد. ولی در تائید این امر، ادله و مدارک قاطع و معتبری در دست نیست.

دیوان داوری به ایزایران فرصت داده و مدارک معتبری در خصوص اصالت دوفقره چک مورد بحث و در مورد مندرجات تلکسها ئی که پس از جلسه استماع از بانکهای ایرانی دریافت شده بود، ارائه نماید. گرچه دیوان در مورد ادله و مدارک سخت گیری نمی کند، ولی هنگامیکه موضوع اعتبار مدارک تسلیمی یکی از طرفین مطرح گردد و بخواهد طرف مزبور فرصت داده شود که اصالت آن مدارک را ثابت نماید، قصور وی در انجام این امر، باید در اعتباری که به مدارک مزبور داده شده، اثر گذارد. بعلاوه بعهده ایزایران بود که طی دفاع خود اثبات نماید که پرداختها به وسیله چک صورت گرفته است. رجوع شود به بند ۱ ماده ۲۴ قواعد دیوان. بخصوص در مورد مسئله مربوط به اصالت چکها، اقدام دیوان در تحمیل مسئولیت اثبات عدم وصول چکها بر آلتراسیستمز، قابل ایراد است.

حتی اگر پرداخت چکهای مورد بحث تا شیدم بشود، این امر تا شیری برای اعتبار خواهان نمی گذارد. موضع خواهان بر عدم وصول چکها مبتنی بوده است زیرا ایزایران پولی جهت پرداخت آنها نداشته و نیز سندی دایر بر برداری آنها وجود نداشته است. صورت حسابهای بانکی ایزایران موبد این ادعا است که ایزایران پولی بابت پرداخت وجه چکها نداشته است. حتی اگر چکها پرداخت شده باشند، آلتراسیستمز تحت آن اوضاع و احوال نمیتوانست اطلاع داشته باشد که بانک حتی علی رغم کسر موجودی ایزایران وجه چکها را پرداخت کرده است. کارمند آلتراسیستمز که مسئول ترتیبات مربوط به اینگونه وجوه بوده، فوت کرده است. علاوه بر این، آلتراسیستمز به دفاع خود در ایران دسترسی نداشته و هیچگونه سند دیگری نیز دایر بر برداری فت و حوه مزبور در اختیار ندارد. فی الواقع، قصور ایزایران در ارائه کلیه اسناد تحت اختیار یا کنترل خود در خصوص این موضوع، میباید موجب استنتاج دیوان علیه ایزایران گردد.

صرف نظر از اینکه تصمیم دیوان در خصوص باقیمانده وجوه چه باشد، هیچگونه توجیه حقوقی یا ماهوی برای پرداخت مخارج در حکم نهائی وجود ندارد. به نظر من هزینه های مربوط به تعیین تکلیف ما بقی موضوعات پس از صدور حکم جزئی، ناشی از رویه غلطی

بوده که دیوان در رابطه با تاخیر ایزایران در ارائه ادله و مدارک، اتخاذ کرده است. آلترا سیستم کلیه دستورات دیوان را رعایت کرده است. ایزایران با تاخیر در تسلیم اظهاریه های خود تا مدت ها پس از استماع، بدون کسب هیچگونه مجوزی از دیوان جهت اینگونه تاخیرات، باعث شده که آلترا سیستم متحمل هزینه های اضافی و غیر ضروری گردد. بدینقرار ایزایران در ارائه بموقع مدارک در مراحل مختلف رسیدگی، قصور ورزید. در واقع، آلترا سیستم از دست یابی به مدارک خود در ایران محروم و این امر باعث افزایش مخارج و منجر به بروز مشکلاتی در تهیه ادله و مدارک گردید. منابع غیردینفع پس از جلسه استماع و ضمن مشاورات صرفاً "به علت تماس یکطرفه با یکی از اعضای دیوان، مدارک تا شید نشده ای را از طرف ایزایران تسلیم نمودند. تحت این اوضاع و احوال، صدور حکم پرداخت مخارج به ایزایران غیر قابل دفاع است.

دیوان داوری با این تصمیم به تخلف آشکار از قواعد و رویه معمول دیوان تن در داده و حتی چنین تخلفی را ترغیب نموده است.

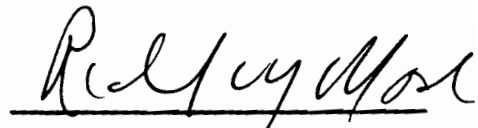
بعلاوه، ایزایران هیچگونه دلیل و مدرکی در مورد مخارج مربوط به مابقی موضوعاتی که تکلیف آنها طی حکم نهائی تعیین شده، ارائه نکرده است. نمیتوان باور کرد که مخارج ایزایران بابت جمع آوری و ارسال چند تلکس و مدرک تا شید نشده بالغ بر ۱۵۰۰۰/- دلار شده باشد. لذا، حتی اگر دیوان اخذ تصمیم در مورد مخارج مربوط به مسائل حل نشده را به بعد موکول می کرد (که طرز نگارش حکم جزئی چنین استنتاجی را تأیید نمی نماید)، تعیین مخارج در حکم نهائی ابداً پایه و اساسی ندارد.

نظریه اینکه صدور حکم جهت پرداخت مخارج به ایزایران قابل توجیه نبوده و تصمیم اکثریت در مورد تعیین اینگونه مخارج بهیچ وجه دارای پایه و اساسی نیست، بنظر میرسد که دیوان داوری در حکم نهائی خود مخارجی را که قبلاً "طبق حکم جزئی به خواهان پرداخت شده بود، تعدیل نموده است. دیوان مجاز به انجام چنین کاری نیست. در قواعد دیوان یا هیچ جای دیگر اصلاح حکم جز آنچه که طبق بند ۱ ماده ۳۶ قواعد دیوان مجاز شناخته شده یعنی تصحیح "هرگونه غلط انشائی و املائی یا اشتباهاتی از این دست"، چیز دیگری پیش بینی نشده است. چنین موردی در پرونده حاضر دیده نمی شود.

من همچنین از عواقب بالقوه تقسیم غیر لازم یک پرونده به قسمت های مختلف و سپس تصمیم تدریجی در مورد هر قسمت در مواقع مختلف و با اکثریت های متفاوت، نگران هستم. این

رویه رئیس شعبه را قادیومی سا زد که پرونده ای را به موضوعات متعددی تقسیم نموده ،
ویدانوسیله ، بدون آنکه برای صدور حکم اکثریتی حاصل شده باشد در مورد نتیجه نهائی
تصمیم بگیرد . چنین رویه ای بخصوص اگر به نحو غلط اعمال شود ، اگر بانصقاعده
صدور حکم توسط اکثریت مفایرت نداشته باشد ، با روح آن مفایرت است . رجوع شوبه
بند ۱ ماده ۳۱ قوا عددیوان . در پرونده حاضر ، رئیس شعبه پس از جلب موافقت اکراه
آمیز من جهت تحصیل اکثریت در حکم جزئی (رجوع شوبه نظر موافق من در حکم جزئی
شماره ۳ - ۸۴ - ۲۷) ، اکنون قسمتی از آن حکم را با اکثریت دیگری مرجوع داشته
است . اینگونه اقدامات جهت حصول اکثریت سودمند نیست .

با توجه به مطالب پیش گفته ، اینجانب تصمیم مربوط به پرداخت مخارج در حکم نهائی
را نادرست و بیمورد می دانم .



ریچارد ام . ماسک

لاسه ، بتاريخ ۷ دسامبر ۱۹۸۳ برابر با ۱۶ آذرماه ۱۳۶۲